

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



حمله به ایران و ضربه به منع گسترش تسلیحات

گستره آسیب‌ها به برنامه هسته‌ای ایران در نتیجه حملات هنوز مشخص نیست؛ اما رژیم منع گسترش تسلیحات که این برنامه را سال‌ها شفاف نگه داشته بود، پاره‌پاره بر جای مانده است. این اقدام نظامی کوتاه‌بینانه، به جای این که مانع از گسترش تسلیحات شود، ممکن است همان تهدید هسته‌ای را که بنا بود مهار کند، تشدید کند و با این کار، نه‌تنها خاورمیانه که تمام دنیا را ناامن‌تر کند. بسیاری از کشورها حالا ممکن است این‌طور نتیجه بگیرند که پایبندی به معاهده منع گسترش هسته‌ای، آن‌پی‌تی، دیگر تضمینی برای امنیت هسته‌ای نیست.

تمام بخش‌های برنامه هسته‌ای ایران، دهه‌ها بود که تحت نظارت دقیق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. این کشور در سال ۱۹۶۸، از امضای کنندگان آن‌پی‌تی شد و خودش را به لحاظ قانونی متعهد کرد پیگیری تسلیحات هسته‌ای را رها کند و تمام مواد هسته‌ای اش را تحت پادمان‌های آژانس قرار دهد. ایران در سال ۱۹۷۴، توافق جامع پادمانی امضا کرد و ۱۸ تأسیسات هسته‌ای و ۹ مرکز خارج از تأسیسات را اعلام کرد که مواد هسته‌ای در آن‌ها استفاده می‌شدند؛ این شامل مراکز غنی‌سازی، راکتورهای تحقیقاتی، تأسیسات تبدیل و تولید سوخت، آزمایش‌ها و بیمارستان‌هایی که از رادیویزوتوپ استفاده می‌کردند، می‌شد. آژانس در برخی مقاطع از ایران خواست پروتکل الحاقی را هم پیاده‌سازی کند؛ توافقی که برای بازرسی گسترده‌تر بود. ایران از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ داوطلبانه چنین کرد. در سال ۲۰۱۵ هم به برنامه جامع اقدام مشترک پیوست، سقف‌های سخت‌گیرانه برای غنی‌سازی اورانیوم را پذیرفت و قبول کرد در ازای رفع تحریم، ذخایر اورانیوم خود را ۹۷ درصد کاهش دهد. آژانس اجازه پیدا کرد

دسترسی بیشتری به برنامه هسته‌ای ایران داشته باشد و دوربین‌ها و حسگرهای کنترل از راه دور نصب کند و به این ترتیب بتواند نظارت زنده داشته باشد. این دسترسی بیشتر تمام سایت‌های مهم برنامه هسته‌ای ایران، شامل نطنز، فردو و اصفهان را پوشش می‌داد، همان سه تأسیساتی که ایالات متحده هدف قرارشان داد. برجام تا زمانی که اجرا می‌شد، بسیار مؤثر از کار درآمد. اما ترامپ در سال ۲۰۱۸، به‌رغم اصرارهای متحدان اروپایی، از توافق خارج شد. ایران که از مزایای توافق محروم شده بود، شروع به کاهش تعهداتش به این توافق کرد و در نهایت محدودیت‌های عملیاتی در توافق را کاملاً کنار گذاشت.

چنان که پیش‌بینی می‌شد، اقدامات ترامپ، مذاکره جدید با ایران را بسیار سخت‌تر کرد. دولت دوم ترامپ تلاش کرد گفت‌وگو را از سر بگیرد. ایران خواستار تضمین بود که دوباره بنا نیست یک‌طرفه، یک‌جانبه توافق را تضعیف کند یا تحریم‌ها را برگرداند. واشنگتن اعطاف چندانی نشان نداد و به جایش خواسته‌های سختگیرانه‌تری مطرح کرد. از نظرگاه ایران، پیشنهادی که ارائه شد، توافقی بود نامطلوب‌تر از برجام و از سمت کشوری که قول هایش غیرقابل انکا از کار درآمده بودند. حملات ایالات متحده و اسرائیل، تقریباً تلاش‌ها برای احیای مذاکرات را نابود کرد. در فاصله چند ساعت پس از شروع حملات، ایران دور بعدی مذاکرات با ایالات متحده در عمان را لغو کرد. در روزهای پس از بمباران آمریکا، پارلمان ایران ننگارش پیش‌نویس مصوبه برای خروج از آن‌پی‌تی را شروع کرد. اگر ایران این تصمیم را بگیرد، خروج این کشور از آن‌پی‌تی ممکن است باعث شود معاهده‌ای که سنگ‌بنای مهار تسلیحات در جهان است، از هم بپاشد. نیم قرن است که آن‌پی‌تی بمب هسته‌ای را در تعداد اندکی از کشورها محدود نگه داشته است. پس از خروج کره شمالی در سال ۲۰۰۳ و آزمایش سلاح هسته‌ای در این کشور، چهار سال بعد از آن، خروج ایران، پرقابلیت‌ترین خروج از این توافق خواهد بود. ایران خارج از آن‌پی‌تی، دیگر درگیر محدودیت و بازرسی نخواهد بود. دنیا خبری از فعالیت‌هایش نخواهد داشت. چنین وضعیتی احتمالاً دیگر قدرتهای منطقه‌ای را بر آن خواهد داشت که همین کار را بکنند و دهه‌ها خویشتن‌داری در این زمینه، بر باد خواهد رفت. ایران هنوز اعلام نکرده از آن‌پی‌تی خارج می‌شود، اما پارلمانش تصویب کرد که همه همکاری‌ها با آژانس متوقف شود. این نشانه آشکاری است از این که چشم‌انداز ادامه‌پایبندی ایران به دیپلماسی چندجانبه، تاریک باشد.



همکاری خطرناک با کو-تل آویو

آیا جمهوری آذربایجان در حمله اسرائیل به ایران نقش داشت؟



روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه بین‌الملل

زمنه‌ها و حرف‌های غیررسمی از همان اوایل جنگ شروع شد؛ برخی به شکل سؤال و گمانه‌زنی و برخی به شکل اتهام‌زنی مطمئن و صریح. موضوع این بود: احتمال کمک جمهوری آذربایجان به اسرائیل در حمله به ایران. برخی تریبون‌های غیررسمی حتی ماچرا را قطعی خواندند. شهروندانی از مناطق شمالی یا نزدیک به مرز جمهوری آذربایجان حتی از شنیدن صدای جنگنده‌هایی که از بالای سرشان رد می‌شدند خبر دادند؛ جنگنده‌هایی که به تصور آن‌ها، قاعدتاً نه از سمت جنوب غرب که از سمت شمال غرب به سمت ایران آمده‌اند. ادعای دیگری نیز مطرح شد که از اسرائیل نمی‌توان تا شرق ایران جنگنده فرستاد و در نتیجه، هدف‌گیری‌هایی که در نیمه شرقی ایران شده، حاصل پروازهایی بوده که از جمهوری آذربایجان برمی‌خاستند. روایت دیگری هم مدعی بود اسرائیل از آسمان جمهوری آذربایجان در این مسیر استفاده کرده است. بعضی حتی دوباره گمانه‌زنی‌هایی را مطرح کردند که مدعی شده بود، در حادثه مرگباری که برای بالگرد حامل رئیس‌جمهور ایران در سال ۱۴۰۲ رخ داد، جمهوری آذربایجان نقش داشته است. هیچ‌کدام از این ادعاها البته تأیید نشده‌اند؛ اما تکرار و گستره طرح آن‌ها نشان از وجود بدبینی جدی در میان بخش قابل توجهی از نخبگان و افکار عمومی ایران، نسبت به همکاری باکو و تل‌آویو است. تهران و باکو نیز واکنش‌های خود را به موضوع داشته‌اند اما قبل از بررسی این موضوع گیری‌ها نگاهی به پایه و اساس قدیم و جدید این شک، خالی از فایده نیست.

▼ رابطه قدیمی و عمیق

ایده از ناکجا‌آباد نیامده بود. می‌توان گفت در میان همسایگان ایران، جمهوری آذربایجان نزدیک‌ترین روابط را با اسرائیل داشته و دارد. شخص الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در سال ۲۰۰۹ در اظهاراتی که ویکی‌لیکس افشا کرد، رابطه باکو و تل‌آویو را رابطه «کوه یخی» توصیف کرده بود که «نه‌دهمش زیر آب است» تا مشخص کند که بخش عمده‌ای از روابط این دو، در معرض دید عموم نیست؛ هرچند از آن زمان تا امروز، بخش‌های بیشتری از این رابطه به رؤیت رسیده‌اند. برخی حتی این رابطه را بهترین رابطه بین یک کشور مسلمان با اسرائیل توصیف می‌کنند. شخص بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۱۳۹۵ و اسحاق هرزنوگ، رئیس رژیم اسرائیل در سال ۱۴۰۲ به جمهوری آذربایجان سفر کرده‌اند. این سفرها در کنار سفر هم‌زمان نتانیاهو به قزاقستان، در رسانه‌های اسرائیلی به‌عنوان اتفاقی نادر در روابط اسرائیل با کشورهای مسلمان تحسین می‌شد. جمهوری آذربایجان، اوایل سال ۱۴۰۲، چند ماه پیش از ماجرای ۷ اکتبر ۲۰۲۳، «سفرات آذربایجان در اسرائیل» را در تل‌آویو با برگزاری کرد. آذربایجان از اوایل سال ۱۹۹۲، روابط رسمی با اسرائیل برقرار کرده و اولین سفیر اسرائیل در این کشور، سال ۱۹۹۴ منصوب شده بود.

در میان آن بخش از کوه یخ این رابطه که بالای سطح آب، مرئی است، حوزه‌های تسلیحات و انرژی، حوزه‌های اصلی همکاری هستند. باکو سال‌هاست مشتری تسلیحات و تجهیزات اسرائیلی بوده است و اسرائیل تأمین‌کننده اصلی ابزارهای نظامی و تسلیحات جمهوری آذربایجان. تحقیقات مؤسسه صلح بین‌المللی استکهلم حاکی از این است که در فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، ۶۹ درصد از واردات

تسلیحات جمهوری آذربایجان از اسرائیل بوده است و برای اسرائیل نیز، ۱۷ درصد صادرات تسلیحات در همین زمان، به سمت جمهوری آذربایجان بوده است. در دوران جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ، اسرائیل تأمین تسلیحات جمهوری آذربایجان را بر عهده داشت. آروناتیکس، شرکت اسرائیلی صنایع جنگ‌افزاری و فناوری هوافضا که در جمهوری آذربایجان حضور داشت، در میانه این جنگ، به درخواست جمهوری آذربایجان، یکی از محصولات خود را روی ارتش ارمنستان آزمایش کرد و البته این موضوع در خود اسرائیل نیز جنجالی شد. شرکت آذربایجانی «آزاد سیستم» با کمک همین شرکت اسرائیلی در سال ۲۰۱۱ بنا شد و پروژه مشترکی بین اسرائیل و دولت باکوست که تولید تسلیحات اسرائیلی را در خود جمهوری آذربایجان هم در دستور کار داشت. به گفته آوگدور لیبرمن، وزیر دفاع ماچرا به شکلی بود که بخشی از نبرد قره‌باغ، صحنه مقابله تسلیحات اسرائیلی جمهوری آذربایجان با تجهیزات روسی ارمنستان بود و این حتی باعث نگرانی در میان مقامات اسرائیل شده بود که این تقابل مسکورا خشمگین کند. همکاری باکو و تل‌آویو محدود به مسائل نظامی هم نیست و این دو همکاری اقتصادی و تجاری گسترده‌ای نیز دارند. دوشنبه همین هفته، خبرگزاری فارس اعلام کرد شرکت نفت دولت جمهوری آذربایجان، با خرید بخشی از سهام میدان گازی تمار اسرائیل، با اسرائیل شریک شده است. قرارداد مربوط به این توافق، ۶ ماه قبل به امضا رسیده بود، اما این هفته به تأیید شورای تنظیم و مقررات نفتی اسرائیل رسید. طبق این گزارش، باکو ۱ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار بابت این قرارداد تحویل تل‌آویو داده است. آذربایجان سال‌ها همکاری نفتی با اسرائیل داشته و تأمین‌کننده معتمد انرژی برای اسرائیل بوده است. این دو دولت در حوزه‌های هوانوردی، گردشگری و محیط زیست نیز همکاری‌های خود را توسعه داده‌اند. گزارش وب‌سایت اقتصاد ۲۴ در دی‌ماه ۱۴۰۳ می‌نویسد، بیش از ۱۰۰ شرکت اسرائیلی با حجم سرمایه‌گذاری ۳۰ میلیون دلاری در جمهوری آذربایجان و در بخش‌هایی مانند کشاورزی، آموزش و پزشکی حضور دارند. دو طرف تبادل دانشجو دارند و صادرات گندم از آذربایجان به اسرائیل هم در تعاملات تجاری مطرح است. اسرائیل در فهرست ۱۰ شریک تجاری اول جمهوری آذربایجان نیز قرار دارد. تأسیسات نمک‌زدایی از آب شور دریای خزر در نزدیکی باکو نیز با همکاری اسرائیل ساخته شده. شرکت آذربایجانی - اسرائیلی پاکسل، با سرمایه‌گذاری شرکت اسرائیلی بزرک، دومین اپراتور بزرگ تلفن همراه در آذربایجان، بعد از ترکسل است. عمق تعامل را از اینجا هم می‌شود فهمید: «قیرمیزی قصبه»، منطقه‌ای نزدیک باکو، در طول سالیان با لقب‌هایی مثل «اسرائیل دوم» یا از زبان اسرائیلی‌ها، «اورشلیم قفقاز» خوانده می‌شود.

▼ گمانه‌زنی‌ها از کجا کلید خورد؟

اگر چه همین داده‌ها و سابقه روابط باکو - تل‌آویو برای بسیاری کافی بود که در میانه جنگ، لاف‌ل نگران نقش آفرینی جمهوری آذربایجان شوند، اتفاقات خود جنگ هم برای بدبین‌ها به همسایه شمال غربی، خالی از نشانه نبود. چنان که در مقدمه این نوشته اشاره شد و رسانه‌ها، از جمله الجزیره نیز در گزارشی نوشتند، برخی گزارش‌های امنیتی و نیز مشاهدات مردمی حاکی از ورود پیاده‌ها و جنگنده‌های اسرائیلی از شمال ایران بودند. با توجه به وضعیت روابط کشورهای شمال ایران با ایران و نیز با اسرائیل، طبیعی بود که در میانه چنین جنگی، محتمل‌ترین گزینه برای همکاری با مهاجم، جمهوری

آذربایجان باشد. از آن‌جا که از ارمنستان، ترکمنستان و روسیه، با روابط راهبردی که با ایران دارند، بعید بود که این چنین در خدمت حمله نظامی به ایران اقدام کنند و این باعث می‌شد جمهوری آذربایجان تنها مظنون باقیمانده باشد. الجزیره به نقل از یک پژوهشگر حوزه قفقاز می‌نویسد: «نیروهای مرزبان ایران در شهرهای نمین و گرمی در شمال غرب کشور ورود پیاده‌های اسرائیلی از مرزهای آذربایجان را ثبت و مستند کرده‌اند و تعدادی از آن‌ها را اساقط کرده‌اند. گزارش‌های مردمی و امنیتی متعددی در ایران وجود دارد که تأیید می‌کنند اشیای پرنده و جنگنده‌های اسرائیلی از فراز دریای خزر وارد حریم ایران شده‌اند.» وی این مسئله را به حملات مکرر اسرائیل به تبریز - شهر بزرگ شمال غربی ایران - مرتبط دانست؛ حملاتی که با هدف ایجاد گذرگاه هوایی برای عبور جنگنده‌های اسرائیلی از شمال عراق به سمت آذربایجان و سپس از طریق دریای خزر به شمال ایران و نهایتاً به تهران و کرج انجام شده‌اند. این گزارش اضافه می‌کند که تهران تحرکات خصمانه‌ای را از سوی شرکت‌های اسرائیلی در همان منطقه «قیرمیزی قصبه» رصد کرده است. احسان موحیدیان، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی در مصاحبه‌ای توضیح می‌دهد: «قبل از آغاز جنگ اخیر، ما شاهد بودیم تحرکاتی در تقاطع مرزی ما دارد اتفاق می‌افتد و این باید چشم‌های ما را بیشتر می‌گشود؛ از جمله اخباری که در مورد لغو مرخصی سربازان ارتش باکو و فراخواندن نیروهای ذخیره وجود داشت و همین‌طور تجمع نیروهایی که این‌ها به بهانه مانور در نقاط مرزی داشتند.»

ماچرا به قبل‌تر از این هم برمی‌گردد و حرف‌ها در این زمینه از سال‌ها پیش مطرح بوده‌اند. روبرتر در گزارشی در سال ۲۰۱۲، به نقل از منابع مطلع از سیاست‌های نظامی جمهوری آذربایجان نوشته بود این کشور «با اسرائیلی‌ها بررسی کرده که پایگاه‌های هوایی و پیاده‌های جاسوسی آذری چطور می‌توانند به جنگنده‌های اسرائیلی در یک حمله دوربرد کمک کنند.» این خبرگزاری اشاره کرده بود که کمک آذربایجان به هیچ وجه مشابه یا جایگزین کمک و قدرت نظامی آمریکا نمی‌شود اما می‌تواند به نقطه ضعف‌های برنامه احتمالی جنگ با ایران در اسرائیل، از جمله سوخت‌رسانی، جمع‌آوری اطلاعات و نجات نیروها، اقدام بدون کمک آمریکا را در ذهن اسرائیلی‌ها ممکن بنمایاند. در این گزارش آمده بود بررسی‌ها به این حد رسیده که ببینند پرواز پرنده‌های اسرائیلی از کدام پایگاه آذربایجان و به کدام سمت ممکن است؛ البته در همان سال ۲۰۱۲، انکار این موضوع از سوی باکو هم مطرح شد و جمهوری آذربایجان اعلام کرد، اجازه استفاده از پایگاه‌هایش برای حمله به ایران را نخواهد داد، انکاری که تا امروز هم حرف رسمی آذربایجان است و بعدها، در بزنگاه‌های دیگر نیز توسط باکو تکرار شد. در میانه جنگ جمهوری آذربایجان آن زمان تأکید کرد هیچ کشور ثالثی نخواهد توانست از این کشور برای حمله به ایران استفاده کند و همه حرف‌ها در این باره، گمانه‌زنی است. این کشور به جمعیت آذری در ایران اشاره و تأکید کرد موضع این کشور عدم مداخله در امور دیگر کشورهاست. عضویت در سازمان همکاری اسلامی و نیز حمایت از فلسطین نیز در این تکذیب مورد اشاره قرار گرفت، هرچند در دور سال‌های اخیر حملات اسرائیل به غزه، باکو از محکوم‌کنندگان نبوده است. اسرائیلی‌ها هم گفتند، این گزارش حاصل افشای بررسی گزینه‌های جنگی اسرائیل از سوی کاخ سفید باراک اوباما بوده تا هشداردی جهت اقدام یک‌جانبه از سوی اسرائیل علیه ایران باشد. در میانه همین جنگ، روز ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵ جیحون بایراموف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان، با سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران تأکید کرد کشورش «هرگز اجازه نخواهد داد قلمروش برای حمله به کشورهای دوست، شامل ایران استفاده

